

دوم قرننیاں 12



حتی اگر این گونه بالیدن هیچ فایده نداشته باشد، باید به آن ادامه دهم. مثلاً می‌توانم دربارهٔ رؤیاهای و مکاشفاتی که خداوند به من عطا فرمود صحبت کنم 2 من شخصی را در مسیح می‌شناسم که چهارده سال پیش تا به آسمان سوم رفته شد. (جسماً یا روحاً، نمی‌دانم، خدا می‌داند.) فقط می‌دانم که این مرد به بهشت برده شد. (نمی‌دانم جسماً یا روحاً، خدا می‌داند.) 4 چیزهایی شنیدم که آن قدر مقدس و محرمانه است که بیان آنها جایز نیست 5 من حاضریم به تجربیات این مرد ببالم ولی در خودم هیچ دلیلی برای بالیدن نمی‌بینم، مگر در ضعفهای خودم 6 اگر بخواهم به خود

ببالم، احمق نخواهم بود، زیرا هر چه بگویم عین حقیقت است. اما چنین کاری نخواهم کرد، مبادا کسی بیش از آنچه در من می‌بیند یا از من می‌شنود برای من ارزش قایل شود 7 و برای اینکه به خاطر مکاشفات فوق‌العاده‌ای که دیده‌ام مغرور نشوم، ناخوشی جسمانی در بناکی به من داده شد که مانند قاصدی از طرف شیطان مرا بگوید تا زیاد مغرور نشوم 8 سه بار از خداوند درخواست کردم که آن را از من دور سازد، 9 اما او در جواب من گفت: «فیض من برای تو کافی است، زیرا قدرت من در ضعف تو کامل می‌گردد.» پس چقدر بیشتر با مسرت به ضعف و ناتوانی خود فخر خواهیم کرد تا قدرت مسیح مرا فرا گیرد 10 بنابراین، من به خاطر مسیح، ضعف‌ها، اهانتها، سختی‌ها، آزارها و دشواری‌ها را با آغوش باز می‌پذیرم زیرا در هنگام ضعف قوی هستم.

چند هفته قبل، ما برخی از نامه‌های از رسول پولس را در مورد رنج خواندیم. به همین دلیل می‌خواهم امروز یک نامه‌ای در مورد پاسخ به پولس ارسال کنم. می‌خواهم به او بگویم که رنج تجربه‌ی خوبی برای انسان نیست. من می‌خواهم به او توضیح دهم آنچه که او در زمانش نمی‌دانست، یعنی شرارت مردان خیلی بدتر از روزهای او تبدیل شده است. من می‌خواهم به او در مورد بسیاری از مرده‌ها در جهان بگویم. و از مردم ایران... از کسانی که در زندان هستند... از کسانی که شکنجه می‌شوند... و من می‌خواهم به او بگویم که همه چیزها خوب نیست.

" پولس عزیزم، امروز من از Lukaskirche در لایپزیک می‌نویسم. کلمات شما به من حرکت می‌دهد، زیرا آنها از غم و اندوه انسانها صحبت می‌کنند. حتی اگر ما مثل شما غرق کشتی نشده‌ایم، سنگسار را تجربه نکردیم، و بیشتر ما به طور شفاهی مورد آزار قرار نگرفته‌ایم، همه ما بطور جدی چیزهایی در مورد رنج انسان می‌شناسیم، هر کدام به نحوی خود در معرض درد و رنج بوده‌ایم. به همین دلیل کلمات شما ما را امروز حرکت می‌دهند. و ما در مورد آنچه که رنج می‌بریم درک می‌کنیم. یک روز کسی به من گفت که ما باید رنج ببریم چون خدا با آن سرگرم شده است و یا حتی ما را فراموش کرده است که از آن انسان مراقبت کند: همانطور که من فراموش کرده‌ام گیاهان گلدانی ام را در خانه چرب کنم. اما، من فکر می‌کنم این درست نیست. و من فکر نمی‌کنم که خدا ما را فراموش کرده است. خداوند هیچوقت ما را شکنجه نمی‌کند و ما را فراموش نمی‌کند. اثبات اینکه خدا ما را دوست دارد و ما را فراموش نمی‌کند این است: پسرش بر روی صلیب برای ما مرد. رنج ما برای خدای زنده هم خیلی بد است. اما چرا رنج می‌بریم؟ شما در نامه‌ی خود به قرننیاں می‌گویید که شما تجربه‌های فوق‌العاده زیادی داشته‌اید و پس از آن خداوند در جسم شما یک بیماری دردناک فرستاد تا شما زیاد مغرور نشوید. و در حال حاضر ما ناراحت هستیم، با عرض پوزش پولس عزیز، شما نمی‌توانید افتخار کردن را درک کنید. ممکن است افتخار برای شما مناسب نباشد، اما برای ما در اینجا در لایپزیک در سال 2018؟ آیا این هنوز مناسب نیست؟ ما نمی‌توانیم با این کلمات شما را درک کنیم. من می‌خواهم این را یک بار توضیح دهم: ما انسان‌ها از سال 2018 می‌دانیم که اعتماد به نفس خوب و سالم است. ما همچنین یاد گرفتیم که یک فرد بایستی اعتماد به نفس داشته باشد. بعضی از ما حتی به طور منظم به روانشناس و سایر متخصصان مراجعه می‌کنیم، دلیل این کار تنها یک هدف دارد: تقویت اعتماد به نفس. افتخار مستقیماً چیزی خیلی خوب برای ما است. در حال حاضر کلمات شما مانند خرد کردن ما هست. ما حتی باید رنج بکشیم تا کمتر افتخار کنیم؟! این کار شما یک دعوت بری افراد بد است. آنها از فروتنی ما سوءاستفاده کنند و به ما حمله خواهند کرد. این دقیقاً همان چیزی است که دیکتاتورهای مختلف از کلام شما دوست داشتند. چون آنها همیشه قادر به دستگیری و سرکوب فقیرترین مردم جهان هستند. نه! احساس بدی از خود داشتن نمی‌تواند خوب باشد. به ویژه در زمان ما، درست است که مسیحیان باید دهان خود را باز کنند و کلام خدا را بگویند. برای انجام این کار، یک اعتماد به نفس خوب نیاز داریم.

پولس عزیز، با نوشتن به شما، من متوجه شدم که شما نمیتوانید همه اینها را به این ترتیب بفهمید. من هم به یاد می‌آورم زمانی که همه چیز از مسیح است، شما شجاعت بسیار دارید. چون شما در مقابل دولت بالا از همه چیز مسیح بسیار افتخار داشتید:

زمانی که آنها شما را پیش دادگاه بردند، شما کلام خدا را با صدای بلند برای آنها خواندید. حتی پس از آن، آنها شما را شکنجه کردند. اکنون خوب خواهد بود اگر شما وجود دارید، ما می توانیم از شما شخصا پرسیم. در حال حاضر احساس می کنم که من از نوشتن به شما، شفا میابم و می توانم شما را بهتر درک کنم. بنابراین در مورد کلمه افتخار، شما باید چیزی دیگری بدانید. و هم از کلمه ضعف. شما در این نامه از خودتان و یا از دیگری صحبت کردید... این فرد به آسمان رفت به دقت پس از آن درد و رنج را تجربه کرد. این کار احتمالاً چیزی است که با تجارب خاص خودتان همراه با خداوند است. درست است؟ بله، واقعاً تجربه خاصی داشتید. من شخص دیگری را نمیشناسم که فقط در راه خدا آمده باشد و سپس به طور مستقیم کلام خداوند را شنیده باشد. و چون صدای خداوند ما عیسی از آسمان شنیده شود. و پس از آن بود که می توانست خود را به عنوان شخص ویژه در میان همه مردم در نظر بگیرد. رسولی که می تواند به طور مستقیم با خدا صحبت کند! بله، و احساس درد و رنج شما را هم در نقطه ای احساس می کنم. شما فقط یک انسان بودید... من هنوز هم می توانم با آن همدردی کنم، همانطور که چقدر سریع ممکن است که یک نفر بتواند بهتر از دیگران قضاوت کند. و هر بار که ما به این ترتیب به سوی خدا برویم، ما واقعاً بر تخت خود خداوند نشسته ایم و می خواهیم خود خدا باشیم. پولس، من الان تو را بهتر میفهمم اما هنوز هم می پرسیم: باید رنج زیادی داشته باشید؟ چون راه خیلی طولانی بود. آیا یک اشاره کوچک نیز به اندازه کافی وجود نداشت؟ و زمانی که می گویند که شیطان شما را با مشقت مورد ضرب و شتم قرار داد، پس دوباره احساس اعتراض در قلب من بالا می رود. چگونه شیطان می تواند از رسول مقدس به این طریق سوءاستفاده کند و خداوند هیچ کاری انجام ندهد؟ من می دانم که خدا منشاء شرارت نیست و گناه از آدم و حوا آمد و نه از سمت خدا. با این حال، نمی توانم درک کنم که شیطان همیشه انقدر به مقدسات خدا حمله می کند. شما اولین نفری نیستید که در آن شغل بودید. من همچنین از بسیاری از مردم که تجربه ی بسیار تلخ و غمگین دارند نیز فکر می کنم. بعضی از آنها مانند شما، خادمان وفادار خدا هستند. وقتی از چنین افرادی می شنوم، من از سخنان خود دلخور می شوم. و نمی توانم به آن چیز نظر خوبی داشته باشم. من متاسفم که اینطور است. اما من متوجه شده ام که در کجا ما انسان ها توضیحی برای کلمات نداریم، اما کلمات دعا باقی مانده اند. و من به یاد بسیاری از مردم که مجبور به تجربه بسیار بد شده اند، اما هنوز هم می توانند دعا کنند. برخی از این ها برای کمک خدا را فراخوانده اند. بعضی از آنها حتی به خدا شکایت کرده اند که چرا این کار را انجام می دهد. اما سخن خداوند شروع میشود، زمانی که سخن انسانی به پایان میرسد. و منظورم این است که با پولس هم همینطور باشد. شما مجبور به رنج زیادی هستید و باید خودتان مبارزه کنید. اما پس از آن شما همیشه یک کلام ایمان و یک کلام دعا داشتید. وقتی که من در مورد آن فکر می کنم، قلب من گرم می شود و به نحوی خوشحال است... همچنین اگر من نمی توانم آن را درک کنم.

پولس عزیز، در حال حاضر صحبت کردن من و درخواست م به پایان رسید. اما اکنون به مهمترین چیزهایی که می خواستید به ما بگویید میسریم. در واقع آن کلام از پولس نیست، اما در حال حاضر خدا ی زنده صحبت می کند و همه چیز را دقیقاً به ما توضیح می دهد. و کلمات خدا به پولس امروز عبارتند از: "قدرت من در ضعف تو کامل میشود" بنابراین خدای زنده سپس توضیح داد چه اتفاقی برای پولس افتاد و امروز به ما می گوید. این یک کلمه بسیار مهم است که خدا می خواهد دوباره در سال 2018 به ما بگوید. در هر جای جهان، مسیحیان امروز این کلمه را می شنوند. خداوند در ضعف تو قوی است. در یک مرد، در کلیسا، در بدن مسیح، این دو ویژگی همیشه با هم هستند: ضعف و قدرت. در حال حاضر ما درباره نقاط ضعف و مشکلات بزرگ می شنویم. بعضی از انسانها پول ندارند، دیگران عشق را به پایان می رسانند، یکی دیگر از مبارزات مرگ با اعتیاد و یا یکی دیگر از مبارزه با ایمان را تجربه کند. در تمام این شرایط، این کلمات از خدا نیز بسیار مهم است: "این امر می تواند به عنوان مثال گر ما از ضعف صحبت کنیم، شیطان به ما با مشقت های خود ضربه میزند" اگر ما از ضعف صحبت کنیم به کلام پولس احتیاج نداریم. همچنین به هیچ کلمه ای از بهشت احتیاج نداریم. ما قبلاً این را می دانستیم با این حال سخن جدید و جالب از پولس این است: کلمه ی، قدرت خداوند در ضعف است. قدرت خدا نه به عنوان یک کنار نیروی ما است، پس از یا قبل از زمان ضعف بود، بلکه یک قدرت خداوند در میان ضعف ماست. این کلم از خدا چیز ویژه است. قدرت خدا در میان ضعف ما روشن می شود که خداوند بزرگترین پشتیبان ما است. این پیام بدین معنی است که ما مسیحیان در اینجا به عنوان گناهکاران ضعیف همدیگر را می پذیریم. ما نباید فقط در مورد خودمان صحبت کنیم، بلکه در مورد خداوند. ما فقط می خواهیم در مورد اعمال خدا از طریق عیسی صحبت کنیم. پولس شهادت زنده از آنچه که خدا انجام داد بود. او می تواند این کار را در زندان انجام دهد و همچنین با زنجیر بسته شود، از کار خدا صحبت کرد... سپس نیز با رنج است که او را شخصاً ضربه کرد. او توسط بسیاری از مردم مورد تهدید و توهین قرار گرفت. و در عین حال او فقط می توانست بگوید: ما از خدا چیزی خوب دریافت کرده ایم و چیز خوب دریافت کرده ایم. در شخص پولس چیزی جز فقر و ناتوانی کامل نداشت، اما آتش سوزی در سراسر جهان وجود داشت. برخی از حاکمان که ابتدا کلمات خود را شنیدند، به طور کامل رد شدند. آنها نمیتوانند باور کنند که قدرت خدا با قدرت انسانی بسیار متفاوت است.

پس از مدت زمان طولانی آنها کلمات را به یاد می آورند و کلمات میوه می دهند. هنوز در قلب مردم نادیده گرفته شده است، کلمه ادامه می یابد. در وسط ضعف، وقتی که من آن را نمی بینم. در آن یا دیگر بحران به شرح زیر است، خدا با روح خود می آید. این اتفاق می افتد که آرام و ناشناخته... در وجود ضعف ما. از آنجا که وقتی ضعیف هستیم، خدا می تواند بیشتر با ما کار بکند. امین

